

# تبیین کیفی تجربه زیسته والدین از فرایند شکل‌گیری برنامه درسی آموزش در خانه

■ ژیلا سلیمانی\*

■ پروین صمدی\*\*

■ پروین احمدی\*\*\*

## چکیده:

آموزش در خانه بخشی از آموزش غیررسمی است که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا در محیط غیر از محیط مدرسه به انتخاب آموزشی دست زنند و برنامه درسی را مطابق با علایق خود پیش ببرند. تمایل به این نوع از آموزش با وجود غیررسمی بودن در ایران در حال افزایش است. مطالعه حاضر با هدف تبیین فرایند شکل‌گیری برنامه درسی آموزش در خانه انجام شد. برای این منظور مطالعه کیفی با رویکرد پدیدارشناسانه انجام گرفت و ۱۲ نفر از خانواده‌هایی که به آموزش کودکان خود در خانه پرداخته بودند در این پژوهش مشارکت کردند. اطلاعات با روش هفت‌مرحله‌ای کلابزی تحلیل شدند. از تحلیل داده‌های این مطالعه برای پاسخ به سؤال اول ۲ کد محوری ایدئولوژیکی و پداگوژیکی شناسایی شد. در پاسخ به سؤال دوم در زمینه مؤلفه‌های هدف، محتوا، راهبردهای تدریس، فضا و ارزشیابی مجموعاً ۱۱ کد محوری استخراج شد. طبق یافته‌ها، والدین سعی بر آن دارند تا در تدوین برنامه درسی علایق و استعدادها را در نظر بگیرند و او را از جو دهره‌آور و رقابتی دور کنند.

## کلید واژه‌ها:

آموزش در خانه، رویکردهای طراحی برنامه درسی آموزش در خانه، مؤلفه‌های برنامه درسی

□ تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۷/۶

□ تاریخ شروع بررسی: ۹۹/۱۰/۳

□ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۹

\* کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه الزهراء تهران. E-mail: atu.koohi@gmail.com

\*\* (نویسنده مسئول) دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء. E-mail: psamadi@alzahra.ac.ir

\*\*\* دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء. E-mail: pahmadi@alzahra.ac.ir

## مقدمه

بدون شک تعلیم و تربیت و نحوه اجرای آن یکی از ارکان مهم برای رشد و توسعه هر کشوری محسوب می‌شود. تمام جوامعی که رشد و توسعه سریع و روزافزونی داشته‌اند امر آموزش و پرورش از عناصر مهم آن کشور به‌شمار می‌رفته است. بنابراین پرداختن به تعلیم و تربیت و شناخت همه جوانب آن امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد. در این میان بررسی عناصر مربوط به تعلیم و تربیت و نیز انواع و شیوه‌های متفاوت آن برای پیاده‌سازی نظام آموزشی کارآمد کاری مهم است.

آموزش و پرورش موفق در گرو برنامه‌ریزی صحیح و دقیق و برنامه‌ریزی صحیح و دقیق در گرو شناخت کافی از زمینه‌های آموزشی است. یکی از پدیده‌های آموزشی جامعه ایران آموزش در خانه است. آموزش در خانه قدیمی‌ترین شکل تعلیم و تربیت در تاریخ بشر است (الیوت، ۲۰۱۹) و پیش از تأسیس مدارس به شیوه جدید، نوع تحصیل رایج در جهان به‌شمار می‌آمده است (گیشر، ۲۰۱۷). خانواده‌ها تا قبل از ۱۹۱۸ کودکان خود را در بستر خانواده آموزش می‌دادند. اما در پی گسترده‌گی جوامع و افراد مختلف با پذیرفتن نقش‌های متفاوت و به‌وجود آمدن مدارس رسمی خانواده‌ها وظایف خود را به دوش جامعه و مدارس گذاشتند و قسمتی از امر تعلیم و تربیت (زیرا بخش دیگری از تربیت در خانه اتفاق می‌افتاد) و همه آموزش (فقط در مدرسه اتفاق می‌افتاد) را به آنان سپردند. بدین ترتیب شیوه نوینی در تعلیم و تربیت اتفاق افتاد و سهم خانواده‌ها کم‌رنگ‌تر شد. این دوره به سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۶۰ بازمی‌گردد.

اما در اوایل دهه ۱۹۷۰ مردم به هنجارهای جامعه و اتفاقات تربیتی موجود در مدارس تردید کردند و به آن‌ها بی‌اعتماد شدند. کم‌کم نهضتی مبنی بر بازگشت به آموزش در خانه شکل گرفت و شروع دوباره‌ای برای این رویکرد آموزشی اتفاق افتاد.

امروزه این نهضت با استقبال فراوان والدین در سراسر دنیا مواجه شده و طبق یافته‌های چندین مطالعه، تمایل به این رویکرد از آموزش در حال افزایش است (ری، ۲۰۱۶؛ الیوت، ۲۰۱۹؛ واتسون، ۲۰۱۹). در ایران نیز گرایش‌هایی از جانب والدین به این نوع از آموزش وجود دارد. در مدارس رسمی رویکردهای گوناگون آموزشی وجود دارد و هریک از این رویکردها خروجی و کیفیت متفاوتی دارند. طبق تحقیقات، آموزش و پرورش و معلمان و اولیا از نتیجه مثبت این رویکردها اطمینان ندارند و برای همین دغدغه‌مند و نگران‌اند (شعبانی، ۱۳۹۰). اصلاحات هر ساله در نظام آموزش و پرورش به‌روشنی نشان از این مسئله دارد که آموزش و پرورش نیز در پی رفع نواقص است. اما برخی از والدین هیچ‌یک از این رویکردها را برای فرزند خود مناسب نمی‌بینند و مانع از ورود فرزندانشان به مدارس رسمی می‌شوند و خود در خانه به آنان آموزش می‌دهند. هر چند آموزش در خانه در ایران به رسمیت شناخته نشده است (شکوهی‌یکتا و پرند، ۱۳۸۶؛ سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۷)، با وجود این آمار و ارقام نشان از آن دارند که حدود ۴ هزار نفر در ایران در پی تحصیل در خانه‌اند. این موج، از فراوانی مدارس «مسجدمحور»

و مؤسساتی چون «مجموعه تمدن‌ساز انقلاب اسلامی» و مجموعه‌های مشارکتی «مدرسه در سفر» و نیز مراجعه به وبگاه چند دبیرستان مجازی مشخص شده است (مرتضایی، ۱۳۹۷). به نظر می‌رسد که والدین، در پی نارضایتی از رویکردهای کلی آموزش رسمی، کودکان را در خانه آموزش می‌دهند. آموزش مدرسه‌ای و برنامه درسی جاری در آن مؤلفه‌هایی دارد و تصمیم‌گیری در زمینه این مؤلفه‌ها رویکرد مدارس را تشکیل می‌دهد. آموزش خانگی نیز از تصمیم‌گیری والدین در زمینه مؤلفه‌های برنامه درسی شکل می‌گیرد و نوع رویکرد آنان را در آموزش فرزندان مشخص می‌کند. والدین سعی بر آن دارند تا بتوانند با تصمیم‌گیری‌های خود نقاط ضعف آموزش رسمی را کم‌رنگ‌تر کنند و از نقاط قوت آموزش خانگی بهره بیشتری ببرند.

والدین به جای فرستادن فرزندان خود به مدارس دولتی یا خصوصی، آن‌ها را در خانه آموزش می‌دهند یا خود به تأسیس مدارس اقدام می‌کنند، مانند برخی از مدارس خصوصی و مدارس مسجدمحور. خانواده‌ها به دلایل گوناگون آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کودکان را در خانه آموزش می‌دهند. مدرسه در خانه جنبشی پیشرو در کشورهای دنیاست. در کانادا نزدیک به چهل سال است که این رویکرد به صورت قانونی پذیرفته شده است (لاگوس<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲). یک درصد از کودکانی که در این کشور در سن مدرسه قرار دارند در خانه آموزش می‌بینند. در استرالیا دولت و مؤسسات مرتبط قوانین مربوط به آموزش در خانه را دائماً به‌روزرسانی می‌کنند. در آفریقای شمالی تمایل به این رویکرد نیز در حال افزایش است (کازمن<sup>۶</sup> و گیشر، ۲۰۱۳). در انگلیس قوانین محدودی برای این نوع از آموزش وجود دارد و آموزش در خانه را جایگزین مناسبی برای مدارس رسمی می‌دانند و پیشنهاد می‌کنند. تعداد خانواده‌های انگلیسی که آموزش در خانه را برای فرزندان خود برگزیده‌اند بین ۵۰ تا ۱۵۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود. همچنین بر اساس تحقیقات، حدود ۱/۵٪ از دانش‌آموزانی که در سن مدرسه قرار دارند در خانه آموزش می‌بینند (کرفت<sup>۷</sup>، ۲۰۱۳). در آسیا نیز برخی از کشورها آموزش در خانه را به صورت رسمی پذیرفته‌اند و آن را جایگزینی برای خانواده‌هایی می‌دانند که بنا به دلایلی تمایل به استفاده از مدارس رسمی ندارند. در تایلند این شیوه در سال ۲۰۰۰ به صورت قانونی درآمد. در مالزی این موضوع تا قبل از سال ۲۰۰۳ امری غیرقانونی بود اما بعد از آن آموزش و پرورش این کشور این رویکرد را به صورت قانونی پذیرفت. تخمین زده می‌شود اکنون بیش از ۵۰ هزار نفر در مالزی در خانه آموزش می‌بینند. طبق شواهد، در کره جنوبی و تایوان روی آوردن به آموزش در خانه در میان خانواده‌ها در حال افزایش است (اسپارلاک<sup>۸</sup>، ۲۰۱۹).

در آمریکا، در سال ۲۰۱۵، تعداد ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار دانش‌آموز به شیوه آموزش در خانه مشغول به تحصیل بودند (فرانسیس<sup>۹</sup>، ۲۰۱۸). طبق گزارش‌های مؤسسه تحقیقات بین‌المللی تعلیم و تربیت خانگی<sup>۱۰</sup> اکنون بیش از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در آمریکا در حال آموزش در خانه‌اند و سالانه بین ۷٪ تا ۱۵٪ به تعداد این جمعیت افزوده می‌شود.

آموزش در خانه فضایی را ایجاد می‌کند تا والدین بتوانند آن را طبق علایق و توانمندی‌های فرزند خود شخصی‌سازی کنند. ماگدلانا<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۰) آموزش در خانه را این‌گونه تعریف می‌کند: «آموزش در خانه، استقلال و بی‌نیازی خانواده از دیگران در امر تعلیم و تربیت فرزندان است.» همچنین طبق دیدگاه ساماردیونو<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۷)، این واژه ریشه در زبان انگلیسی دارد و به معنی مدرسه خانگی است. مدرسه در خانه فرایند یاددهی - یادگیری است که بر اساس فعالیت‌های خانه‌محور طراحی و سازمان‌دهی می‌شود و در آن والدین معلم یا ناظر بر کار تربیتی فرزندان خودند. کلاً تعریف جامعی از آموزش در خانه وجود ندارد. برخی از دانشمندان این حوزه بر مکان فیزیکی تحصیل تأکید می‌کنند و بر این باورند که زمانی یک کودک هوم‌اسکول<sup>۱۳</sup> خوانده می‌شود که در جایی جز مدارس رسمی (دولتی یا خصوصی) به فراگیری علوم بپردازد. برخی دیگر از متخصصان شیوه مدرسه خانگی، چون لافمن<sup>۱۴</sup> (۱۹۹۷)، می‌گویند آموزش در خانه زمانی اتفاق می‌افتد که والدین مسئولیت و نظارت تربیت فرزندان خود را به عهده گیرند و از برنامه درسی شخصی‌سازی شده استفاده کنند (اسپارلاک، ۲۰۱۹).

برای گرایش به این رویکرد آموزشی در سراسر دنیا والدین دلایل مختلفی عنوان می‌کنند. اما در نگاهی کلی می‌توان گفت که بیشتر تحقیقات صورت گرفته در زمینه شناسایی علل گرایش والدین به آموزش در خانه در امریکا انجام گرفته است.

علل بسیاری برای گرایش والدین، در امریکا، به این رویکرد مطرح است اما باید توجه داشت که این تصمیم یک‌شبهه برای والدین اتفاق نیفتاده است. طی تحقیقاتی مشخص شد که عمده والدین به علت مشکلاتی که خودشان در مدرسه داشتند، مانند قوانین خشک و کلیشه‌ای، تصمیم به این کار گرفتند (آرای<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۰؛ کازمن و گیشر، ۲۰۱۳). این والدین عنوان کردند که می‌توانند اثرگذاری بیشتری را در آموزش فرزندان و موفقیت آنان داشته باشند (گرین و هوور<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۷). تضادهای اخلاقی و مذهبی نیز از دلایل اصلی این گرایش عنوان شده است. محیط نامساعد مدارس باعث شده تا والدین تصمیم بگیرند فرزندان خود را از قلدری‌های رایج شده در مدارس دور نگه دارند (لوک<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۹). قلدری کردن شامل آسیب‌های فیزیکی چون هل دادن، ضربه زدن، لگدزدن یا حمله کردن و آسیب‌های روانی چون طرد کردن از گروه، منزوی نگه داشتن فرد و پخش شایعات بی‌اساس درباره شخص است (واردهانی و وینینسی<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۹). تحقیقات ویدایانتی و سیسواتی<sup>۱۹</sup>، در سال ۲۰۰۹، نشان داد که ۳۷/۵٪ از دانش‌آموزان به علت آسیب‌های جسمی و روحی که در مدارس دیده‌اند تمایلی به ادامه تحصیل در آن محیط ندارند. همچنین از نظر بلیک<sup>۲۰</sup> و همکاران (۲۰۰۱) نبود کارایی در آموزش رسمی از علل مهم این انتخاب است. درحالی که کودکان در یادگیری تفاوت دارند، مدارس رسمی این موضوع را نادیده گرفته‌اند و همین موضوع باعث کاهش کارایی مدارس و افزایش اقبال به رویکرد آموزش در خانه شده است. در مجموع می‌توان گفت که مدارس رسمی عمدتاً نیازهای کودکان خاص را در نظر نمی‌گیرند (باشام<sup>۲۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۷).

علل گرایش به رویکرد آموزش در خانه در برخی از کشورهای دیگر به شرح زیر است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۷):

دلایل والدین کانادایی: کلاس‌های پرجمعیت، بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی، حافظه‌محوری، استفاده از مواد مخدر در مدارس، اهداف اخلاقی، نظارت دقیق‌تر بر تربیت فرزندان و محیط ناخوشایند. دلایل والدین استرالیایی: تحکیم ارتباطات خانوادگی، آموزش به کودکان دارای فویبای مدرسه، بهتر کردن آموزش هنر و خلاقیت به کودکان (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۷).

دلایل والدین ایرانی: وجود جو رقابتی منفی، نبود پویایی در آموزش، نبود ارتباط برنامه درسی با مسائل واقعی، بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی، معلم‌محوری، بی‌توجهی به رویکردهای نوین آموزشی، حافظه‌محوری، تنظیم مدت‌زمان تحصیل با توانایی‌های کودک، محیط بسته مدارس، کمبود خلاقیت، تزریقی بودن آموزش‌های مذهبی، تضاد اعتقادی مدرسه و خانواده، توجه به علایق و نیازها، دانش‌آموزان با نیازهای ویژه (تیزهوش یا عقب‌مانده ذهنی) (فتحی‌اجارگاه و همکاران، ۱۳۹۱؛ شکوهی‌یکتا و پرند، ۱۳۸۶؛ عطاران و ملکی، ۱۳۹۲).

باید توجه داشت که علل گرایش به آموزش در خانه فقط مربوط به عوامل منفی نیست و بسیاری از والدین به دلیل مزایای آموزش در خانه به این رویکرد گرایش یافته‌اند (مدلین<sup>۲۲</sup>، ۲۰۱۳). نقاط قوت و ضعف بسیاری برای آموزش در خانه در تحقیقات گوناگون عنوان شده که در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. نقاط قوت و ضعف آموزش در خانه

نقاط ضعف	نقاط قوت
۱. ضعف در فرایند اجتماعی‌شدن (شکوهی‌یکتا و پرند، ۱۳۸۶)	۱. انعطاف‌پذیری بالای این روش به دلیل انفرادی بودن (ایوانز و نیشن <sup>۲۳</sup> ، ۱۹۹۶)
۲. جایگزینی ارتباط غیرمستقیم به جای ارتباط چهره‌به‌چهره	۲. احساس مسئولیت و ارزشمندی بیشتر
۳. کاهش تجارب عملی دانش‌آموزان	۳. امکان پیشرفت با سرعت مخصوص به هر دانش‌آموز (شکوهی‌یکتا و پرند، ۱۳۸۶)
۴. نظارت‌نداشتن دقیق بر پیشرفت درسی دانش‌آموزان	۴. تجارب یادگیری بیشتر و واقعی‌تر
۵. نبود امکان بحث و تبادل نظر میان معلم و شاگرد (آگاروال <sup>۲۶</sup> ، ۱۹۹۵)	۵. روش‌های آموزشی متنوع (توماس <sup>۲۴</sup> ، ۲۰۱۶)
۶. متخصص‌نبودن والدین و تسلط‌نداشتن کافی آنان به مسائل آموزشی (بردفورد، ۲۰۱۸)	۶. افزایش مشارکت خانوادگی
	۷. محیط یادگیری امن
	۸. انعطاف بالای برنامه درسی (بردفورد <sup>۲۵</sup> ، ۲۰۱۸)
	۹. آگاهی بالای والدین از علایق و نیازهای کودکان خود (گیشر، ۲۰۱۷)
	۱۰. امکان شخصی‌سازی برنامه درسی با توجه به نیازهای هر کودک (الیوت، ۲۰۱۹)

درزمینه انواع آموزش در خانه، طبق تحقیقات، دو رویکرد فلسفی عمده وجود دارد که هر کدام از آن‌ها می‌تواند در محیط یادگیری تأثیرگذار باشد. ون گالن<sup>۲۷</sup> (۱۹۸۸، ۱۹۹۱) برای اولین بار در توضیح این دو رویکرد از تعبیر رویکرد ایدئولوژیکی و رویکرد پداگوژیکی استفاده کرد. والدینی را که با برنامه درسی و آموزشی مدارس مخالفاند «ایدئولوژیست» و والدینی را که با شیوه‌های تربیتی مدارس مشکل دارند «پداگوژیست» می‌نامند (نولز<sup>۲۸</sup>، ۱۹۸۹).

**۱. رویکرد ایدئولوژیکی:** این رویکرد محیط یادگیری ساختارمندی را به وجود می‌آورد که معمولاً شامل برنامه درسی است. رویکردهای مطرح در این نوع از آموزش در خانه رویکردهای سنتی، کلاسیک، شارلوت، مطالعه واحد، مطالعه مستقل و اکلتیک<sup>۲۹</sup> یا به‌گزینی است. در زیر به‌اختصار به توضیح هر یک از این رویکردها می‌پردازیم.

● **رویکرد سنتی:** در این رویکرد معلم‌محور از کتاب‌های مجزا برای هر موضوع استفاده می‌شود. برخی از دانشمندان این رویکرد را به مدرسه‌ای که به خانه آورده شده باشد تشبیه می‌کنند، چون ساختار سنتی مدارس و برنامه درسی آن‌ها عیناً در خانه پیاده می‌شود (دافی<sup>۳۰</sup>، ۲۰۱۵).

● **رویکرد کلاسیک:** کازمن و گیتر (۲۰۱۳) روی ۱۴۰۰ متن دانشگاهی تحقیق و مطالعه کردند و به این نتیجه رسیدند که والدینی که در خانه به آموزش می‌پردازند به این رویکرد گرایش بسیاری پیدا کرده‌اند. این رویکرد بر آموزش خواندن و نوشتن، منطق و دستور زبان تأکید دارد.

● **رویکرد شارلوت:** شاکله اصلی این رویکرد اعتقاد به این موضوع است که کودکان لایق احترام‌اند و باید به بهترین نحو از موقعیت‌های زندگی واقعی یاد بگیرند. در این رویکرد زمانی به کودکان برای بازی، خلاقیت و درگیری با موقعیت‌های زندگی واقعی داده می‌شود. کودکان از طبیعت، موزه‌های هنری و هرآنچه واقعی است یاد می‌گیرند. آنان جغرافی، تاریخ و علوم را از مجموعه کتاب‌های زندگی می‌آموزند، کتاب‌هایی که موضوعات آن‌ها از دل زندگی برمی‌آید. دانش‌آموزان در این رویکرد آنچه را آموخته‌اند نه با امتحان، بلکه از طریق بحث و گفت‌وگو و توصیف نشان می‌دهند (کاوآن<sup>۳۱</sup>، ۲۰۱۷).

● **رویکرد مطالعه واحد:** این رویکرد به‌نوعی اشاره به تلفیق دارد و تأکید می‌کند که باید به‌جای مطالعه مستقل دروس، در آن واحد همه آن‌ها را آموخت (الیوت، ۲۰۱۹). با کمک این رویکرد سعی بر آن است که علایق کودکان کشف شود و آن‌ها به موضوعات درسی تسری پیدا کنند. برای مثال، دانش‌آموزی که به مصر علاقه دارد والدین باید از او بخواهند تا داستان‌ها و کتاب‌هایی را در این زمینه بخواند و درباره آن کشور بنویسد. همچنین کار

هنری دربارهٔ اهرام ثلاثه انجام دهد و اطلاعات مربوط به این کشور را از روی نقشه بیابد (کاوان، ۲۰۱۷).

● **رویکرد مطالعه مستقل:** در این رویکرد بر آموزش خودراهبر تأکید می‌شود.

● **رویکرد اکلکتیک یا به‌گزینی:** طبق این رویکرد، والدین بهترین برنامهٔ درسی مرتبط با هر موضوع را متناسب با فرزندان خود انتخاب می‌کنند (دافی، ۲۰۱۵). مهم‌ترین مزیت این رویکرد آن است که والدین اجازه دارند تا در برنامهٔ درسی از دروسی استفاده کنند که فکر می‌کنند اهمیت بیشتری برای آیندهٔ کودکانشان دارد. آن‌ها در موارد دیگر می‌توانند با کودک به شیوهٔ آزاد از برنامهٔ درسی<sup>۳۲</sup> برخوردار کنند (کاوان، ۲۰۱۷).

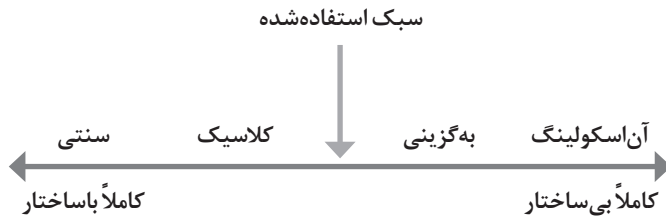
۲ **رویکرد پداگوژیکی؛** رویکرد کلی دیگر در انواع آموزش در خانه رویکرد پداگوژیکی است. در این رویکرد از برنامهٔ درسی مدون استفاده نمی‌شود و تجارب واقعی مرتبط با علایق، توانایی‌ها و سبک یادگیری کودک شکل‌دهندهٔ برنامهٔ درسی است. در این حالت بر خودآموزی تأکید می‌شود (الیوت، ۲۰۱۹). تعبیر بهتر برای توضیح بهتر این شکل از آموزش در خانه «یادگیری دانش‌آموزمحور» است (اسپارلاک، ۲۰۱۹).

در مجموع می‌توان اظهار داشت که آموزش در خانه و آموزش در مدرسه دو گسترهٔ یک پیوستارند و در میانهٔ این پیوستار کودکان ممکن است برخی آموزش‌های خود را در خانه و برخی دیگر را در مدرسه ببینند (فتحی‌واجارگاه و همکاران، ۱۳۹۱).

وانکی<sup>۳۳</sup> (۲۰۰۸) بر این باور است که برنامهٔ درسی بسیار متأثر از خانواده است که می‌توان در آن برنامهٔ درسی‌ای به نام «برنامهٔ درسی خانواده» داشت.

البته سؤالات فراوانی در زمینهٔ نحوهٔ مشارکت خانواده‌ها و جایگاه آنان در امر برنامه‌ریزی درسی وجود دارد. یکی از مشکلاتی که مدیران مدارس با آن روبرو هستند آن است که گاهی بین خواسته‌ها و آرمان‌های تربیتی والدین و مدرسه ناهماهنگی و تعارض وجود دارد. اغلب اهداف آموزشی خانواده‌ها و مدارس همسوس است اما در برخی از اهداف و آرمان‌ها اختلافاتی وجود دارد که والدین را به‌سوی رویکردها و آموزش‌های دیگری، چون آموزش‌های غیررسمی، سوق می‌دهد. البته آموزش عمومی صرفاً شامل آموزش رسمی نیست و آموزش‌های غیررسمی و پنهان را نیز دربرمی‌گیرد (دریسن<sup>۳۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۵). واقعیت دیگری که در زمینهٔ مشارکت والدین در برنامه‌ریزی و آموزش فرزندان وجود دارد آن است که والدین فعال‌ترین افراد جامعه در آموزش و یادگیری کودکانند و می‌توانند کمک کنند تا حس کنجکاوی، شوق یادگیری و توانایی کشف و حل مسئله در کودکان تقویت شود. ازسوی دیگر، تقاضای والدین برای افزایش مشارکت در برنامه‌ریزی درسی برای کودکان خود در حال افزایش است (مارشال<sup>۳۵</sup>، ۲۰۰۷).

## انواع آموزش در خانه



طبق تحقیقات، رویکرد آموزشی آموزش در خانه آموزشی مؤثر و باکیفیت است (ری، ۲۰۱۵). کلمنتس<sup>۳۶</sup> (۲۰۰۲) گزارشی منتشر کرد با عنوان «گوناگونی روش‌های تدریس در آموزش در خانه». در نتایج این مطالعه کیفی مشخص شد که خانواده‌ها بیشتر رویکردهایی را برای آموزش به فرزندانشان انتخاب می‌کنند که در تدریس بیشتر درگیر می‌شوند و مشارکت بهتری دارند. همچنین آنان کودکان خود را به‌گونه‌ای آموزش می‌دهند که در میانه راه خودشان آموزش ببینند و بتوانند خودراهبری آموزشی داشته باشند. بیشترین برنامه درسی استفاده‌شده همان برنامه درسی مدارس است. همچنین از انتشارات گوناگون، که کتاب‌های مخصوص آموزش در خانه را منتشر می‌کنند، کتاب‌های فراوانی را خریداری می‌کنند. برنامه درسی بعدی استفاده‌شده برنامه درسی بر پایه کتاب است که بیشتر شبیه برنامه درسی مدارس است و شامل تمرین‌های کتاب و برگه‌های حل تمرین و آزمون است.

آنتونی<sup>۳۷</sup> (۲۰۰۹) مطالعه‌ای کیفی با عنوان «انگیزه‌ها، رویکردهای آموزشی، انتخاب‌های برنامه درسی و مشکلات خانواده‌های آموزش در خانه» انجام داد. وی به این نتیجه رسید که خانواده‌های آموزش در خانه از ترکیب روش‌های سنتی و نوین برای رسیدن به اهداف آموزشی خود استفاده می‌کنند. اولین موضوعی که آن‌ها روی آن تأکید دارند خواندن است. همچنین آنان عمده برنامه درسی خود را از مؤسسات حمایت‌کننده از آموزش در خانه دریافت می‌کنند. برنامه درسی والدین بر محور علایق و استعداد‌های کودکانشان است. آنان بیشترین منبعی که برای طراحی برنامه درسی از آن الهام گرفته‌اند را تجارب هموعان خود عنوان کرده‌اند.

جورگنسون<sup>۳۸</sup> (۲۰۱۱) در رساله دکتری خود با عنوان «آموزش در خانه در ایالت آیووا: تحقیقی در زمینه انتخاب‌های برنامه درسی والدین» گزارش داد که والدین شرکت‌کننده در تحقیق به اتفاق بر این باور بودند که آموزش خواندن، نوشتن و ریاضیات برای آنان اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنین در این مطالعه آمده است که برای والدین فراهم کردن تجارب واقعی برای کودکان بسیار مهم بوده و آنان از روش‌های کودک‌محور بر پایه سلیقه و نیازهای کودکان بهره گرفته‌اند.

ردفورد<sup>۳۹</sup> و همکاران (۲۰۱۶) در گزارشی با عنوان «آموزش در خانه در امریکا» ذکر کردند که مهم‌ترین منابع مورد استفاده والدین امریکایی برای آموزش فرزندانشان در خانه وبگاه‌ها، کتابچه‌های



مربوط به آموزش در خانه، کتابخانه‌های عمومی و کتاب‌فروشی‌ها بوده است. والدین شرکت‌کننده در تحقیق از برنامه‌های درسی مدارس عمومی و خصوصی کم‌ترین بهره را برده بودند. آنان در ارزشیابی خود بیشتر از امتحانات کتبی و امتحانات برخط (آنلاین) مؤسسات حمایت‌کننده از آموزش در خانه استفاده کرده بودند. طبق این گزارش، برنامه درسی دانش‌آموزان دبیرستانی شامل جبر، زمین‌شناسی و زیست‌شناسی بوده است.

وایس<sup>۴۰</sup> (۲۰۱۶) در کتاب خود با عنوان بهترین یادگیری: راهنمایی برای آموزش در خانه عنوان کرد به علت منابع بی‌شماری که در اختیار کودکان آموزش در خانه وجود دارد والدین می‌توانند آن‌ها را مطابق با سبک یادگیری کودکان انتخاب کنند. در این صورت وقت کمتری را صرف یادگیری دروس خواهند کرد و اوقات باقی‌مانده را به کسب تجربه خواهند پرداخت و از این زمان‌ها به سود علائق و استعدادها خود بهره خواهند گرفت. والدین می‌توانند از کودکان در این اوقات برای کمک در کارهای منزل استفاده کنند تا آنان دست‌ورزی انجام دهند. همچنین والدین می‌توانند برای غنی‌تر شدن این اوقات و نیز برای افزایش مهارت‌های اجتماعی و لازم برای کودکان از کلاس‌های آموزشی مانند موسیقی، ورزش و هنر استفاده کنند. آنان می‌توانند در منزل از مکالمه میان خود و کودکان بهره ببرند. مکالمات روزمره کمک شایانی به والدین می‌کند تا آنان از جملات پیچیده استفاده کنند یا در مکالمات خود کلماتی را جا بیندازند که کودکان آن‌ها را با کلمات مناسب و دلخواه تکمیل کنند. برای این کار بهتر است چند کلمه را به کودک بگویند تا او جمله‌سازی کند و این کار در قالب بازی باشد. این کار برای کودک، که در کلاس درس حضور ندارد، کمک‌کننده خواهد بود برای اینکه یادگیری عمیق‌تری داشته باشد.

گیتر<sup>۴۱</sup> (۲۰۱۷)، از دانشمندان برجسته در موضوع آموزش در خانه، راهنمایی کلی برای والدین ارائه داد و عنوان کرد که والدین در هنگام انتخاب از میان منابع بی‌شمار برای برنامه درسی باید به دلایل گرایش خود به آموزش در خانه مراجعه کنند و متناسب با آن، منابع آموزشی و برنامه درسی را برای کودکان انتخاب کنند. همچنین عنوان کرد که اینترنت منبعی مهم برای کودکان آموزش در خانه و والدین آنان است. بردفورد<sup>۴۲</sup> (۲۰۱۸) تحقیقی کیفی با عنوان «منابع مورد استفاده والدین آموزش در خانه» روی ده خانواده درگیر آموزش در خانه انجام داد. او اشاره کرد که وبگاه‌های بی‌شمار آموزشی و نیز منابع اینترنتی اطلاعات بسیاری در اختیار والدین برای داشتن برنامه درسی متناسب با نیازهای کودکانشان قرار می‌دهند. این والدین از مجلات مرتبط با آموزش در خانه و نیز انتشارات و فروشگاه‌های مخصوص آموزش در خانه استفاده بسیاری برای برنامه‌ریزی درسی فرزندان خود کرده بودند. انجمن‌های حمایت‌کننده از والدین آموزش در خانه نیز منابع خوبی برای تدریس و ارزیابی در اختیار والدین قرار داده بودند. والدین بر آموزش خواندن، نوشتن، دستور زبان، ریاضیات و شهروندی تأکید داشتند و مهارت‌های اجتماعی برای آنان اهمیت بالایی داشته است. محتوای آموزشی والدین بسیار انعطاف‌پذیر بود و به صورت موقعیتی و با توجه به شرایط شکل می‌گرفت. آنان آموزش‌های مسیحیت را در محتوای درسی خود به صورت پررنگ

گنجانده بودند و روی آن تأکید داشتند.

بر اساس یافته‌های بایدی<sup>۴۱</sup> (۲۰۱۹)، هدف‌های والدین از آموزش در خانه ایجاد محیطی مؤثر برای یادگیری و حمایت آنان از استعدادها و علایق کودکانشان است. همچنین آنان علاقه دارند تا کودکان خود را در ساخت دانش فعال کنند و رقابتی سالم میان کودک و خود وی ایجاد کنند برای اینکه کودک محیط امن یادگیری را حس کند. طبق تحقیقات باید برنامه درسی والدین شامل برنامه مدارس و کارهای عملی به‌علاوه آموزش ارزش‌های خانوادگی و پوشش کلیه نقاط ضعف آموزش رسمی است. پانون<sup>۴۲</sup> (۲۰۱۹) در مطالعه پدیدارشناسانه خود روی تجارب دانش‌آموزان و خانواده‌های آموزش در خانه دریافت که والدین از کتابخانه‌های عمومی به‌عنوان یک محیط یادگیری استفاده می‌کنند و کتابخانه در روند آموزشی آنان مرکزی فرهنگی و مکانی برای گسترش ارتباطات اجتماعی محسوب می‌شود و اهمیت بسزایی دارد. طبق آنچه در این تحقیق آمده است، از طریق کتابخانه‌های ایالات متحده برنامه‌های درسی متنوع و کتاب‌های مختلف آموزش در خانه در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. گارلینگتون<sup>۴۳</sup> (۲۰۲۰) در مطالعه‌اش با عنوان «مطالعه کیفی در رابطه با عوامل شکل‌دهنده موفقیت دانش‌آموزان آموزش در خانه» به این نتیجه رسید که در شکل‌گیری برنامه درسی آموزش در خانه شخصیت والدین و کودک بسیار حائز اهمیت است و آنان با توجه به میزان ساختار شکنی خود دست به انتخاب می‌زنند که تا چه حد از چارچوب‌های موجود در مدارس دور شوند و برنامه درسی مختص خود را داشته باشند.

فوزیا و پوروانینگسی<sup>۴۴</sup> (۲۰۲۰) در مقاله خود با عنوان «آموزش در خانه، جایگزین با محوریت استعداد کودکان» عنوان کردند که آموزش در خانه به والدین کمک می‌کند بر اساس استعداد و پتانسیل فرزندان خود برنامه‌ریزی کنند و استعداد کودکان را از طریق آموزش‌های خود پرورش دهند. با نظر به این موضوع که این پدیده در کشور ما به رسمیت شناخته نشده است و با توجه به بررسی‌های پژوهشگر، تحقیقات کمی درباره آن وجود دارد. پژوهش حاضر بر آن است تا به تبیین فرایند طراحی برنامه درسی آموزش در خانه بپردازد. از این‌رو اهداف ویژه پژوهش شناسایی رویکرد طراحی برنامه درسی والدین در آموزش در خانه و شناسایی عناصر برنامه درسی (هدف، محتوا، روش‌های تدریس، فضا و ارزشیابی) والدین در آموزش در خانه است.

## روش‌شناسی پژوهش

رویکرد این پژوهش کیفی بود. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. جامعه نمونه پژوهش همه خانواده‌های ایرانی را که کودکان خود را در خانه آموزش می‌دهند دربرمی‌گیرد. حجم نمونه ۱۲ خانواده بود که بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و به‌صورت گلوله برفی انتخاب شدند. پس از آنکه سؤالات مصاحبه طراحی شدند، آن‌ها را دو تن از استادان متخصص در این حوزه اصلاح و تأیید کردند. تعداد مصاحبه تا آنجایی پیش رفت که پژوهشگر در زمینه سؤالات پژوهش

اشباع شد و پس از آن به اطلاعات محقق اضافه نشد. در ابتدا، با تماس تلفنی، توضیحات اولیه برای افراد مطلع از پدیده آموزش در خانه داده شد. زمان و مکان مصاحبه را آنان تعیین کردند. محقق در جلسه مصاحبه اهداف مطالعه و اهمیت شرکت در این پژوهش را شرح داد. همچنین به آنان این اطمینان داده شد که اطلاعاتشان محرمانه خواهد ماند و گفته شد که در هر قسمت از تحقیق بنا به خواست خود می‌توانند از همکاری انصراف دهند. شرکت‌کنندگان ضمن موافقت با اهداف پژوهش و تمایل برای همکاری به صورت اختیاری در مصاحبه حضور یافتند. همه مصاحبه‌ها به صورت صوتی ضبط شدند. سپس پژوهشگر چندین بار و به دقت به آن‌ها گوش داد. پس از این مرحله، متن همه مصاحبه‌ها تهیه و آماده شدند. برای روایی مصاحبه‌ها بار دیگر متن مصاحبه‌ها در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت تا تأیید و در صورت لزوم اصلاح شوند. پس از جمع‌آوری و طبقه‌بندی اطلاعات از روش تحلیل محتوای کلایزی<sup>۴۵</sup> برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده استفاده شد. در جدول ۲ مشخصات شرکت‌کنندگان در این پژوهش آورده شده است.

جدول ۲. مشخصات شرکت‌کنندگان

ردیف	تحصیلات مادر	تحصیلات پدر	سن و جنسیت کودک هوم‌اسکول	مدت زمان آموزش در خانه	شهر محل زندگی
۱	فوق لیسانس	فوق لیسانس	ده‌ساله - دختر	سه سال	مشهد
۲	سطح دو حوزه	فوق دیپلم	نه‌ساله - دختر	دو سال	تهران
۳	لیسانس	لیسانس	ده‌ساله - دختر	سه سال	تهران
۴	دیپلم	فوق لیسانس	دوازده‌ساله - دختر	یک سال	تهران
۵	فوق دیپلم	فوق لیسانس	هفت‌ساله - دختر	یک سال	تهران
۶	فوق لیسانس	دیپلم	هشت‌ساله - پسر	دو سال	رشت
۷	لیسانس	با پدر زندگی نمی‌کنند	نه‌ساله - دختر	یک سال	تهران
۸	فوق لیسانس	فوق لیسانس	یازده‌ساله - پسر	چهار سال	تهران
۹	فوق لیسانس	فوق لیسانس	ده‌ساله - دختر	یک سال	تهران
۱۰	لیسانس	لیسانس	دوازده‌ساله - پسر	پنج سال	تهران
۱۱	دانشجوی لیسانس	لیسانس	هشت‌ساله - پسر	دو سال	مشهد
۱۲	لیسانس	فوق لیسانس	نه‌ساله - دختر	دو سال	تهران

## یافته‌های پژوهش

یافته‌های مطالعه در پاسخ به سؤالات پژوهش در زمینه رویکردهای طراحی برنامه درسی آموزش در خانه و بررسی عناصر هدف، محتوا، راهبردهای تدریس، فضا و ارزشیابی در این شیوه آموزشی در ادامه آمده‌اند.

● **رویکرد ایدئولوژیکی:** با توجه به رسمی نبودن آموزش در خانه در ایران و نامعلوم بودن امکان ادامه این شیوه آموزشی در سال‌های بالاتر تحصیلی برای کودکان، والدین بیشتر تمایل دارند تا برنامه درسی با ساختار و بیشتر در راستای همان برنامه درسی رسمی آموزش و پرورش را برای کودکان خود انتخاب کنند.

در این زمینه یکی از والدین عنوان می‌کند:

«دخترم عین کتاب‌های مدرسه رو می‌خونه و ما از معلمش خواستیم عین مدرسه باهاش برخورد کنه. فقط در این روش ما اون معایبی که مدرسه از نظرمون داشت رو حذف کردیم. مثل همون وقت تلف کردن یا استرس مقایسه شدن. برای ما مهمه که عین کتاب‌های درسی رو بخونه دخترم و حس نکنه از بقیه جداست.»

شرکت‌کننده دیگری نیز می‌گوید:

«من عین کتاب‌های مدرسه رو به دخترم آموزش می‌دم، به دلیل اینکه من نمی‌دونم تا کی می‌تونم ادامه بدم، چون متأسفانه ما داریم به‌ظاهر کاری خلاف قانون آموزش و پرورش انجام می‌دیم و هیچ‌گونه حمایتی از ما نمی‌شه. من نمی‌دونم که فرزندم از کدوم مقطع دیگه باید وارد مدرسه بشه. برای همین هم عین دروس مدرسه‌ای رو بهش آموزش می‌دم که اطلاعاتی از بقیه کمتر نداشته باشه. البته بماند که به‌واسطه هوم‌اسکول، دخترم خیلی اطلاعات بیشتری از هم‌سن‌وسالانش داره.»

● **رویکرد پداگوژیکی:** بیشترین ارتباط والد و کودک در این رویکرد آموزشی دیده می‌شود زیرا والدین بر این باورند که باید کودک خود را به‌عنوان تسهیلگری آموزشی همراهی کنند تا وی به ساخت دانش پردازد و واقعیات زندگی را تجربه کند.

در همین راستا یکی از والدین اذعان می‌دارد:

«دخترم خیلی دوست‌های زیادی داره و بی‌نهایت می‌ره سفر. در کل دلم نمی‌خواد فکر کنه داره چیزی رو آموزش می‌بینه، دلم می‌خواد فکر کنه اتفاقی چیزی رو کشف کرده و از این مسئله ذوق کنه. فکر می‌کنم سفر این کمک رو بهش می‌کنه که خودش دانشش رو بسازه.»

والد دیگری در این زمینه می‌گوید:

«پسرم خیلی کم در منزل یاد می‌گیره و بیشتر از فضاهای بیرون و در دل واقعیات و در دل

خود مسائل یادگیری برایش اتفاق می‌افتد. خود علی داره راه رو انتخاب می‌کنه، حتی جاهایی خلاف میل من و مادرش. اما ما با او همراهی می‌کنیم. به‌رحال من یک تسهیل‌کننده راه برای علی هستم. من کنترل‌گر فضای تربیتی او نیستم.»

در سؤال دوم پژوهش، در راستای بررسی مؤلفه هدف در آموزش در خانه، دو دلیل عمده ایدئولوژیکی و پداگوژیکی استخراج شد. والدین اظهار داشتند هدف آنان برای فرزندانشان از این شیوه آموزشی بهره‌گیری از تمام مزایای آن و دور نگه‌داشتن کودکان از نقاط ضعف آموزش رسمی است.

● **دلایل ایدئولوژیکی:** عده‌ای از والدین بر این باورند که آنچه در مدارس اتفاق می‌افتد تزریق باورها و القا به کودکان است که این موارد محیط مدرسه را به لحاظ روانی و تربیتی ناامن می‌کند. در این راستا یکی از شرکت‌کنندگان ابراز می‌کند:

«مشکل من هم‌کلاسی‌های بچه‌ام بود. در واقع دانش‌آموزانی که کنار هم از هر فرهنگ و سطح و مذهبی قرار می‌گیرن. ما یک مدرسه دولتی سر کوجه‌مون داریم که من با یکی از معلم‌های اونجا صحبت می‌کردم. می‌گفت آن‌قدر از بچه‌ها چاقو می‌گیرن که حد نداره.»

والد دیگری بیان می‌کند که:

«آموزش رسمی در کشور ما از طریق ادبیات فارسی و غیره سعی می‌کنه یک سری اعتقاداتی رو در ذهن بچه فرو بکنه بدون اینکه به او فرصت تصمیم‌گیری یا فکر کردن در این رابطه رو بده. منظورم اینه که تلقین می‌کنه تو مسلمونی، تو اشرف مخلوقات، در حالی که همین تفکر باعث خیلی از حیوان‌آزاری‌ها می‌شه و او فکر می‌کنه من برتر از سگم پس می‌تونم بکشمش یا گوش یک الاغ رو ببرم. من نمی‌خواستم بچه‌هام توی این فضا و القانات بزرگ بشن.»

● **دلایل پداگوژیکی:** عمده هدف والدین برای انتخاب رویکرد آموزشی آموزش در خانه و ممانعت از رفتن فرزندانشان به مدرسه شامل دلایل پداگوژیکی بود. از همین روی، یکی از والدین اظهار می‌دارد:

«مدرسه حافظه‌محوریه صرفه. پر از استرس مقایسه‌شدنه و همین‌طور از بچه می‌خوان که مثل بقیه باشه و آنچه را که معلم می‌گه بدون هیچ فکری طوطی‌وار پس بده. در واقع اگه دانش‌آموزی اهل فکر باشه و بخواد خیلی مخالفت کنه، سریع بهش برچسب زده می‌شه. به‌طور کلی من فکر می‌کنم که هیچ‌کدوم از اولیای مدارس صلاحیت ارتباط ساعت‌ها با بچه‌های کوچک رو ندارن. اون‌ها اصلاً نمی‌دونن بچه چی هست، نحوه ارتباط باهاش چی هست، چه روحيات و چه نیازهایی داره اصلاً. البته خب استثناهایی هم هست.»

یکی دیگر از والدین ابراز می‌کند که:

«فشرده‌گی درس‌ها به نظرم زیاده برای بچه‌ها و همین باعث شده که درس و مشق و تکلیف بچه‌ها زیاد باشه. من دوست نداشتم فرزندم خلاقیتش زیر بار این همه تکالیف مسخره و زیاد له

بشبه، وقتی برای بازی و خودشکوفایی بچه‌ام باقی نمونه و اون روز از درس زده بکنم. هدفم برای هوم/اسکولینگ این بود که بتونم نیازهای بچه‌ام رو ببینم و از نزدیک باهاش در ارتباط باشم و بتونم متناسب با روحیاتش روش‌های تدریس رو داشته باشم. درواقع فردیت فرزندم برام خیلی مهم بود، همون چیزی که در مدارس اصلاً دیده نمی‌شه.»

در بررسی مؤلفه محتوا، آموزش کامل دروس مدرسه و آموزش‌های جانبی از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها به‌دست آمد.

### ● آموزش دروس مدرسه‌ای: در این راستا یکی از والدین عنوان می‌کند:

«من عین کتاب‌های آموزش و پرورش رو به بچه‌ام درس می‌دم.»

### ● آموزش‌های جانبی: در این باره یکی از شرکت‌کنندگان در مصاحبه اعلام می‌کند:

«دختر من کلاس‌های برنامه‌نویسی کودک و کلاس‌های رباتیک می‌ره. آشپزی می‌کنه. خیلی از درس‌هایی رو می‌گیره از زندگی که واقعی‌اند. نقاشی می‌کنه، سفال کار می‌کنه، کیک می‌پزه، تو خونه کارهای خونه رو انجام می‌ده، باغبونی می‌کنه و تو اتاقش یک عالمه گل داره که خودش بهشون رسیدگی می‌کنه. با باباش می‌ره سرکار، با آچارها آشنا می‌شه، کارای فنی رو یاد می‌گیره. ما بیشتر تأکیدمون روی مهارت‌ها و مسائل واقعی زندگی بوده. خیلی کتاب می‌خونه و درمورد کتاب‌ها با هم حرف می‌زنیم. هفته‌ای یک بار هم بیرون از شهر می‌ریم و سعی می‌کنم حتماً این به‌صورت دسته‌جمعی باشه و اونجا با بچه‌ها بازی‌های گروهی انجام می‌ده پسر. مثلاً از شون می‌خوام حشرات رو ببینند، رنگ‌ها و برگ‌ها رو ببینند و جمع کنند و راجع بهشون صحبت کنیم یا بازی‌های حرکتی و گروهی دیگه.»

از مصاحبه با والدین و تجزیه اطلاعات در زمینه راهبردهای تدریس نیز شیوه آموزش مستقیم و غیرمستقیم به‌دست آمد.

### ● آموزش غیرمستقیم: بیشتر والدین سعی بر آن داشتند تا از شیوه‌های آموزش غیرمستقیم

بهره ببرند.

در این زمینه یکی از والدین می‌گوید:

«ما از هر روشی که می‌شد به‌طور غیرمستقیم و با بازی امیرمهدی یاد بگیره استفاده کردیم، مثلاً من سینی پر از نمک رو میارم و امیرمهدی روی آن اشکال هندسی رو می‌کشه یا روی نمک می‌نویسه. آموزش رو بیشتر عملی انجام می‌دیم تا جایی که بشه و ملموسش می‌کنیم، مثلاً، درصد رو با بچه‌ها می‌ریم فروشگاه‌های تخفیف‌دار و اون‌ها خودشون با پولشون حساب کتاب و خرید می‌کنن.»

والد دیگری عنوان می‌کند:

«و برای علوم هم مباحث کتاب رو دنبال می‌کنیم، ولی آزمایشات خیلی زیادی انجام می‌دیم، کتاب‌های علمی در مورد اون موضوعات می‌خونه. سعی می‌کنم کلاً حالت معمایی و کشف باشه. مثلاً اگر می‌خوایم مساحت مثلث رو بخونیم، بهش یک سری چالش و بازی می‌دم تا خودش در نهایت کشف کنه. مثلاً، بازی با کاغذهای شطرنجی و شمردن مربع‌ها و رابطه اون‌ها و خطوط موازی و کشف رابطه‌شون.»

#### ● آموزش مستقیم: در این باره یکی از والدین اذعان می‌دارد:

«سعی کردم از بسته‌های معلم خصوصی و آموزش‌های ویدئویی و فلش‌کارت‌ها و کتاب‌های کمک‌آموزشی انتشارات مختلف استفاده کنم تا پسر من خودش به یادگیری بپردازه و اگر سؤالی داشت به من رجوع کنه و از این طریق در بعضی جاها نقش خودم رو کم‌رنگ‌تر کنم و به تکنولوژی بسپرم.»

مادری می‌گوید:

«در حال حاضر هم علی‌رغم میل من الان پسر من خیلی دوست داره توی فضای کتابخونه باشه و حتی از صبح تا شب هم ممکنه گاهی اوقات کتاب بخونه و خسته نشه. هر سؤالی که داره سعی می‌کنه از توی کتاب‌ها به جوابش برسه.»

مؤلفه فضا شامل فضای خانه و خارج از خانه بود.

#### ● فضای داخل خانه: در زمینه فضای داخلی خانه یکی از والدین می‌گوید:

«عمده‌های آموزش‌های درسی من در خانه هست. البته ممکنه گاهی هم بیرون باشه، ولی ما اتاقی در خونمون رو اختصاص دادیم به آموزش فرزندم و هر وقت که بخوایم بهش آموزش بدم می‌ریم اونجا و میز و نیمکت هم گذاشتیم اونجا و از اون فضا برای آموزش استفاده می‌کنیم.»

#### ● فضای خارج از خانه: در این باره یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید:

«فضای آموزشی‌اش هم مسجد هست و باشگاه. بسیار زیاد باهم بیرون می‌ریم و بنا به شرایطی که در جامعه پیش می‌آد در رابطه با مسائل مختلف از آب‌وهوا گرفته تا روابط اجتماعی و رفتار درست انسان‌ها، حقوق آدم‌ها و اینکه هرکسی یک حقوقی داره از مسائل تربیتی مختلف صحبت می‌کنیم. سفرهای کوتاه و پارک‌های جنگلی هم خیلی کمک‌کننده هستن برای یادگیری و آموزش.»

آخرین مؤلفه در این مطالعه مؤلفه ارزشیابی است که شامل ارزشیابی سنتی و ارزشیابی کیفی است.

● **ارزشیابی سنتی:** درزمینه ارزشیابی سنتی یکی از والدین اظهار داشت که «مثل مدرسه ارزش مشق می‌خوام و تمرین انجام می‌ده. دیکته شب داره. آزمون ارزش می‌گیرم، بر اساس همون کتاب راهنمای تدریس معلم. چون دختر من قراره در همین سیستم آموزشی ایران مدرک بگیره، بنابراین من مجبورم مثل مدارس رفتار کنم.»

● **ارزشیابی کیفی:** والد دیگری درباره ارزشیابی کیفی عنوان می‌کند:

«ارزش بعضی جاها درس رو می‌پرسم، مثلاً یک جایی ارزش می‌خوام تابلو توی خیابون رو بخونه یا توی خرید کردن و حساب کتاب کمک کنه. اونجا می‌فهمم چی بلده، چی بلد نیست. سعی می‌کنم ارزیابی‌ام از آموخته‌هاش در قالب همین بازی‌ها باشه و خودش نفهمه دارم ارزیابی‌اش می‌کنم.»

## ■ بحث و نتیجه‌گیری

موضوع آموزش در خانه و فرایند شکل‌گیری برنامه درسی در این رویکرد آموزشی موضوعی است که، به‌رغم توجه‌نکردن آموزش و پرورش به این مسئله، در کشور ما در حال رشد است. بنابراین به نظر می‌رسد، به‌جای نادیده‌انگاشتن وجود آموزش در خانه، تحقیق در این باره و شناسایی ابعاد مختلف موضوع می‌تواند کمک شایانی به مدیریت این امر کند. در پاسخ به سؤال اول این پژوهش مبنی بر اینکه «رویکردهای طراحی برنامه درسی آموزش در خانه کدام‌اند؟»، همان‌طور که در فصل چهارم ذکر گردید، بر اساس نتایج تحلیل داده‌ها دو رویکرد کلی ایدئولوژیکی و پداگوژیکی استخراج شد که به شرح زیر درباره آن بحث شده و با سایر تحقیقات مقایسه شده است.

### ◀ رویکردهای طراحی برنامه درسی آموزش در خانه

بیشتر شرکت‌کنندگان در این پژوهش رویکرد آموزش در خانه با ساختاری (ایدئولوژیکی) برای آموزش فرزندان خود دارند. با توجه به نبود برنامه درسی مختص کودکان آموزش در خانه، در ایران، والدین سعی بر آن داشتند تا برنامه درسی منعطفی با مشارکت فرزندان خود طراحی کنند و در آن از مزیت‌های برنامه درسی رسمی و مدرسه‌ای بهره ببرند. بیشتر والدین مشارکت‌کننده در این تحقیق برنامه درسی از پیش تعیین‌شده‌ای را در ذهن خود برای کودکان طراحی کرده بودند که بسیار منعطف بود و کودک حق انتخاب مؤلفه‌هایی چون فضا و محتوا را داشت. مارتین چانگ<sup>۴۶</sup> و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموزانی که با رویکرد ایدئولوژیکی آموزش دیده بودند



از دانش‌آموزان پداگوژیکی و نیز از دانش‌آموزانی که در مدارس رسمی آموزش دیده بودند بیشتر است.

طبق مطالعه حاضر، در طراحی برنامه درسی و انتخاب رویکرد، والدین سعی بر آن دارند که علاقه و استعداد کودکان خود را دخالت دهند و به آنان از میان رویکردهای مختلف قدرت انتخاب دهند. بر اساس یافته‌های پژوهش، در کل والدین فقط از یک رویکرد خاص استفاده نمی‌کنند و در تلاش‌اند تا برای درس‌های متفاوت رویکردهای متناسب با آن را بیابند و برای کودکان خود به کار گیرند. والدین بیشتر به‌عنوان تسهیلگر آموزشی در کنار فرزندان خود حضور دارند تا آنان بتوانند به تجربه واقعیات زندگی دست بزنند. در واقع والدین کودکان خود را در ساختن دانش باری می‌دهند. طبق تحقیقی که مک‌کئون<sup>۴۷</sup> در سال ۲۰۰۷ انجام داد، نشان داده شد که والدین آموزش در خانه به‌عنوان تسهیلگران آموزشی در کنار کودکان خود قرار دارند تا آنان بتوانند دانش را بسازند.

همچنین والدین سعی بر آن دارند که دروس گوناگون را تلفیق کنند تا در زمان کمتری به بهترین نحو مطالب را به کودکان انتقال دهند و بر آموزش غیرمستقیم نیز تأکید دارند. به گفته مورفی<sup>۴۸</sup> (۲۰۱۲) والدین آموزش در خانه باید دروس را تلفیق کنند و خواندن، ریاضیات، هنر و زبان را در یک قالب درس دهند. آن‌ها باید در این کار به علائق کودک نیز توجه کنند و یادگیری دائمی را در آن‌ها به‌وجود آورند.

یافته دیگر این پژوهش آن است که والدین علاقه دارند تا شوق یادگیری را در کودکان خود پیروانند و بر سوادآموزی تأکید چندانی ندارند. به گفته مارشال (۲۰۰۷) این امر از جمله مصادیق مشارکت والدین در برنامه درسی است.

همان‌طور که گیش<sup>۴۹</sup> (۲۰۱۷) اشاره می‌کند، اینترنت یکی از منابع مهم در یادگیری دانش‌آموزان آموزش در خانه است. والدین از اینترنت برای یافتن پاسخ سؤالات فرزندان خود بسیار بهره می‌برند و در مواردی از برنامه‌های آموزشی اینترنتی و برخط استفاده می‌کنند تا کودکان بیشتر به مهارت خودآموزی دست یابند. والدین علاقه داشتند تا خودآموزی در کودکان نهادینه شود تا آنان بتوانند در مراحل بعدی تحصیل به خودراهبری آموزشی دست یابند.

بر اساس نتایج تحلیل داده‌های این مطالعه، والدین سعی می‌کنند از اتفاقات زندگی واقعی برای آموزش فرزندان خود بهره گیرند. آنان از هر موضوع ساده و پیش‌پاافتاده‌ای برای آغاز گفت‌وگو و آموزش غیرمستقیم استفاده می‌کنند.

از دیگر یافته‌های این پژوهش، کمک کودک در کارهای منزل است که در پاسخ اکثر شرکت‌کنندگان بود. وایس (۲۰۱۶) از کمک کردن کودکان آموزش در خانه

به علت فراغت بیشتر در مقایسه با کودکانی که به مدرسه می‌روند یاد می‌کند. این ویژگی راهی برای دست‌ورزی است.

سؤال دوم پژوهش درباره شناسایی عناصر برنامه درسی (هدف، محتوا، راهبردهای تدریس، فضا و ارزشیابی) در رویکرد آموزش در خانه بود.

#### ◀ مؤلفه هدف

بر اساس تحلیل یافته‌های حاصل از پژوهش، هدف والدین از نفرستادن کودکان خود به مدرسه دور نگه‌داشتن آنان از آسیب‌های آموزش رسمی بود. از نگاه والدین ۱۴ ضعف برای آموزش رسمی عنوان شد. از مهم‌ترین اهدافی که والدین برای فرزندان خود داشتند می‌توان به رابطه خوب میان کودکان و والدین، ایجاد محیطی امن و به دور از اضطراب و نگرانی برای آموزش، دور نگه‌داشتن کودکان از آزارهای جنسی، ندادن تکالیف سنگین به کودکان، کشف استعداد و علایق آنان، مدیریت بهتر زمان، ایجاد استقلال و خودباوری در کودکان، آموزش مهارت‌های مرتبط با زندگی واقعی و آموزش‌های اخلاقی و انسانی اشاره کرد.

#### ◀ مؤلفه محتوا

درزمینه مؤلفه محتوا برخی والدین شرکت‌کننده در مطالعه حاضر مدرسه را خانگی کرده بودند و عین محتوای کتب آموزش و پرورش را به کودکان خود تدریس می‌کردند. برخی دیگر از والدین فقط سرفصل کتاب‌های آموزش و پرورش را الگو قرار داده بودند و محتوای کتاب‌های آموزشی کشورهای دیگر را به فرزندان خود یاد می‌دادند. اکثر شرکت‌کنندگان اظهار داشتند که در تدریس ادبیات از کتاب‌های شاعرانی چون حافظ و سعدی و مولانا استفاده می‌کنند. همچنین کتاب‌خوانی در میان کودکان آموزش در خانه بسیار رایج بود و برخی والدین عنوان کردند که کودکانشان در روز ممکن است سه الی چهار کتاب متناسب با سنشان را بخوانند.

والدین از کلاس‌های آموزشی خارج از منزل برای افزایش مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های موردعلاقه و نیاز آنان استفاده می‌کنند. کلاس‌های ورزشی و موسیقی و زبان از پرتکرارترین آن‌ها بود.

آموزش روابط انسانی برای والدین بسیار اهمیت داشت. آنان سعی داشتند تا روابط اجتماعی گسترده‌ای را برای فرزندان خود تدارک ببینند. از این رو، این کودکان در مقایسه با کودکانی که به مدرسه می‌روند در بسیاری از اجتماعات شرکت داده می‌شدند.

در این زمینه وایس (۲۰۱۶) در تحقیقی به والدین پیشنهاد می‌دهد تا از

کلاس‌های جمعی خارج از منزل مانند موسیقی و ورزش و هنر برای کودکان خود بهره بگیرند.

### ◀ مؤلفه راهبردهای تدریس

درزمینه مؤلفه راهبردهای تدریس والدین اظهار کردند که تأکید آنان بر بازی و یادگیری از این طریق است. آنان عنوان کردند که بازی در برخی موارد از آموزش اهمیت بیشتری برایشان دارد زیرا فرصت یادگیری همواره برای کودک وجود دارد اما با گذر زمان این فرصت بازی است که از آن‌ها گرفته می‌شود. همان‌طور که مروجی (۱۳۹۵) عنوان می‌کند، بازی مهم‌ترین فرایند برای یادگیری کودکان است و باعث شکل‌گیری موقعیت‌هایی می‌شود تا در آن کودکان با قوانین و مهارت‌های زندگی و هنجارها آشنا شوند.

به اعتقاد والدین شرکت‌کننده در این پژوهش تدریس بیشتر شبیه به هنر است و در بند قواعد خاصی نمی‌گنجد و لازم است در هر موقعیتی متناسب با آن شرایط برای انتقال مفاهیم به کودک اقدام کرد.

نورمن<sup>۴۹</sup> (۲۰۱۹) بر یادگیری از طریق بازی تأکید دارد و عنوان می‌کند که بهترین راه برای آموزش زبان و ریاضیات بازی است. والدین سعی داشتند تمامی آزمایش‌های موجود در کتاب علوم را انجام دهند تا کودک از نزدیک با موضوع درگیر شود.

همچنین بر اساس یافته‌ها، والدین گفت‌وگو را یکی از دستاوردهای مهم آموزش در خانه عنوان کردند و آن را راهی برای آموزش دانستند. انتقال اطلاعات از طریق گفت‌وگو از ابزار والدین است. این گفت‌وگو درست در لحظه‌ای انجام می‌گیرد که به نظر می‌رسد ممکن است به علت رویداد پیش‌آمده آموزش عمیق‌تر و صحیح‌تر اتفاق بیفتد. آن‌ها علاوه بر انتقال اطلاعات از طریق گفت‌وگو بازی‌هایی را نیز شفاهی انجام می‌دهند که در آن یادگیری روی می‌دهد. در واقع والدین برای آموزش کودکان خود از راهبرد مباحثه استفاده می‌کنند.

از همین‌رو، وایس (۲۰۱۶) به والدین پیشنهاد می‌دهد تا از جملات پیچیده استفاده کنند، در حین گفت‌وگو با فرزندان خود کلماتی را جا بیندازند تا کودکان بدان اشاره کنند و نیز واژه‌هایی را به آنان بگویند تا با آن‌ها جمله‌سازی کنند.

### ◀ مؤلفه فضا

هر نظام آموزشی برای محیط‌های آموزشی اهداف و اصول خود را دارد. اگر سیستم آموزش و پرورش خلاقیت را ملاک رشد و توسعه کشور قرار دهد، بنابراین

لازم است شرایط بروز خلاقیت از زمان کودکی فراهم شود. یکی از الزامات خلاقیت وجود محیطی باز و انعطاف‌پذیر است. فضای آموزشی دانش‌آموزان آموزش در خانه از دیگر مؤلفه‌های تحقیق بود. والدین در این باره اشاره کردند اکثر آموزش دروس در خانه اتفاق می‌افتد اما آنان از محیط‌های عمومی چون کتابخانه‌ها، موزه‌ها، تئاتر، باغ‌وحش و طبیعت نیز غافل نیستند و از آن‌ها برای انتقال مفاهیم و آموزش فرزندان خود استفاده می‌کنند. والدین عنوان کردند آنچه در پیرامون کودکان دیده می‌شود راهی برای آموزش است. بردفورد (۲۰۱۸) در این باره عنوان کرد که در آموزش در خانه از همه نمادهای محیطی و تصاویر برای آموزش کودکان استفاده می‌شود.

والدین سعی داشتند تا آموزش فقط در محیطی بسته اتفاق نیفتد و از هر مکانی برای آموزش استفاده کنند. آن‌ها از فضاهایی که اجازه بروز خلاقیت را به کودکانشان داده است بسیار استقبال کردند. برخی والدین اظهار داشتند که کودکان در فضاهای باز و طبیعت بهتر می‌توانند آنچه در کتاب‌ها نوشته شده است را از نزدیک مشاهده و لمس کنند.

لاینس<sup>۵۰</sup> (۲۰۰۱) در تحقیقی که از والدین آموزش در خانه داشت عنوان کرد که فضاهای آموزشی شرکت‌کنندگان، کتابخانه‌ها، موزه‌ها، پارک‌ها، کلیساها، دانشگاه‌ها و انتشارات مرتبط با آموزش در خانه بوده است. اکثر شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر از مدارس طبیعت یا باغ‌مدرسه‌ها برای آموزش غیرمستقیم به فرزندان خود استفاده می‌کردند.

### ◀ مؤلفه ارزشیابی

یکی از خرده‌نظام‌های مهم در هر نظام آموزشی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی است. در زمینه مؤلفه ارزشیابی برخی از والدین عنوان کردند که ارزشیابی به معنای آنچه در مدارس رسمی وجود دارد برای آن‌ها اهمیتی ندارد و سعی دارند تا کودکان خود را در محیطی به دور از اضطراب سنجش و ارزیابی شدن آموزش دهند تا آموزش واقعی‌تر، و نه از ترس شاگردتنبل خوانده شدن، اتفاق بیفتد. همان‌طور که اکبری (۱۳۹۱) اشاره می‌کند، سنجش کیفی در خدمت نمره‌دهی نیست، بلکه در خدمت آموزش و یادگیری است. والدین نیز سعی داشتند تا غیرمستقیم و در فرایند یاددهی - یادگیری از وضعیت یادگیری و پیشرفت کودکان خود آگاه شوند. این آگاهی از طریق سنجش مشاهده‌ای و سنجش رفتاری صورت پذیرفته و از ابزارهای دیگری که برای ارزشیابی وجود دارد استفاده نشده است.

برخی دیگر از والدین ارزشیابی‌های مستمر از کودکان خود داشتند و اعلام

کردند مدرک تحصیلی فرزندانشان برای آنان اهمیت دارد. در حال حاضر، در ایران، همه دانش‌آموزان برای گرفتن مدرک باید در آزمون‌های رسمی آموزش و پرورش شرکت کنند. از این رو آنان نیز برای آماده کردن کودکانشان برای آزمون‌های مرتبط باید مثل مدارس عمل کنند. والدین در این رابطه بیشتر از آزمون‌های کتبی و آزمون‌های شفاهی استفاده کردند. همچنین البته باید عنوان کرد که این ارزشیابی‌ها به دور از اضطراب و نگرانی مقایسه‌شدن و در راستای رفع مشکلات آموزشی کودکان بوده است.

در مجموع والدین شرکت‌کننده در این پژوهش تمایل داشتند تا کودکانی شاد و به دور از اضطراب‌های رایج در آموزش رسمی پرورش دهند. در گفت‌وگویی کوتاه با کودکانی که به مدرسه نمی‌روند و در خانه آموزش می‌بینند محقق دریافت که همه آنان از وضعیت خود راضی‌اند و شوقی برای رفتن به مدرسه ندارند زیرا آنان از نبود مشق شب، مقایسه، برچسب خوردن، نادیده گرفته شدن و سکوت همراه با عدم فکر (منظور سکوتی است که در مدرسه ملزم به آن می‌شوند و هرآنچه مری می‌گوید را فقط تکرار می‌کنند) بسیار راضی‌اند. والدین آنان به نظراتشان احترام می‌گذارند و در حد ممکن سعی دارند تا نظر آن‌ها را در آموزش دخالت دهند. همچنین لذت کشف و یادگیری در دل واقعیات روزمره زندگی برای آنان جذاب است. در کل می‌توان اظهار داشت که فرایند آموزش در خانه برای کودکان و والدین بسیار خوشحال‌کننده است. البته بسیاری از والدین نیز اعلام کردند که با اعمال تغییراتی در مدارس تمایل دارند تا کودکانشان از آموزش در خانه و آموزش رسمی توأمان بهره ببرند.

به علت رسمی نبودن آموزش در خانه در ساختار آموزشی ایران و فقر نظری برای این رویکرد و پنهان ماندن مزایا و معایب این روش و به تبع آن بی‌اطلاعی بسیاری از خانواده‌ها از وجود چنین مقوله‌ای امروزه به حضور خانه و خانواده در نقش جدید، به مثابه مدرسه، نیاز بیشتری احساس می‌شود. باید مبنای نظری و روش‌های علمی این سبک آموزش تبیین شود و زیرساخت‌های اجرایی شدن چنین امری در کشور به وجود آید. اگر راهکار آموزش در خانه را رقیبی برای مدرسه ندانیم و گفت‌وگو درباره آن را عاملی برای تضعیف آموزش رسمی نخوانیم، در روزهایی که مدرسه رفتن برای آموزش امکان‌پذیر نیست و سیاست جایگزینی نیز در دسترس نیست، مشکلات مضاعفی به وجود می‌آید.

در پایان توصیه می‌شود مشکلات خانواده‌های آموزش در خانه بررسی شوند. همچنین نیازهای آموزشی این خانواده‌ها شناسایی شود و در نهایت برنامه درسی متناسب با شرایط خانواده‌های آموزش در خانه طراحی شود و در اختیار آنان قرار گیرد.

## منابع REFERENCES

- اکبری، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). *روش‌های جدید ارزشیابی*. رشد و توسعه.
- سلیمانی، بهاره، علی‌عسگری، مجید، حسینی‌خواه، علی و عطاران، محمد. (۱۳۹۷). *مدرسه در خانه؛ حلقه مفقوده در نظام آموزشی ایران*. فصلنامه علمی - پژوهشی تدریس پژوهی، ۴(۴)، ۱۸۸-۲۰۸.
- شعبانی، حسن. (۱۳۹۰). *مهارت‌های آموزش و پرورش*. انتشارات سمت.
- شکوهی‌یکتا، محسن و پرند، اکرم. (۱۳۸۶). *آموزش در منزل جایگزین آموزش در مدرسه*. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۳(۱۰)، ۶۳۹-۶۲۱.
- عطاران، محمد و ملکی، صغری. (۱۳۹۲). *آموزش در خانه: بدیل مدرسه*. دوفصلنامه نظریه و عمل در برنامه‌درسی، ۲(۱)، ۲۷-۴۶.
- فتحی‌واجارگاه، کوروش، خراسانی، اباصلت و رودی، محمدتقی. (۱۳۹۱). *علل گرایش به آموزش در خانه از نظر والدین کودکان آموزش‌دیده در خانه: مطالعه کیفی تجربیات والدین*. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۹(۳۵)، ۱-۱۴.
- مرتضایی، سیداصلاح. (۱۳۹۷). *مدرسه‌زدایی: بررسی پدیده آموزش در خانه از ابعاد گوناگون در ایران*. رشد مدیریت مدرسه، ۷(۱)، ۵۵-۵۹.
- مروجی، مهدی. (۱۳۹۵). *بازی‌های پیش‌دبستانی؛ مسابقه یا رقابت؟ رشد آموزش پیش‌دبستانی*، ۸(۱)، ۲۶-۲۸.
- 
- Aggarwall, J. C. (1995). *Development and planning of modern education*. Vikas Publishing House.
- Anthony, V. K. (2009). *Educational Counter Culture: Motivations, Instructional Approaches, Curriculum Choices, And Challenges of Home School Families* (Publication No. 3352308) [Doctoral dissertation, Mississippi State University]. ProQuest Dissertations and Theses Global.
- Arai, A. B. (2000). Reasons for home schooling in Canada. *Canadian Journal of Education/Revue canadienne de l'éducation*, 25(3), 204-217.
- Baidi, B. (2019). The role of parents' interests and attitudes in motivating them to homeschool their children. *Journal of Social Studies Education Research*, 10(1), 156-177.
- Hepburn, C., Basham, P., & Merrifield, J. (2007). *Home Schooling: From the Extreme to the Mainstream* (2th ed.). studies in education policy. [http://www.homeschoolworld.org/pages/05\\_research\\_statistics/ART\\_Homeschooling2007.pdf](http://www.homeschoolworld.org/pages/05_research_statistics/ART_Homeschooling2007.pdf)
- Bauer, S. W. (2015). *The Well-Educated Mind: A Guide to the Classical Education You Never Had* (Updated and Expanded). W. W. Norton & Company.
- Bielick, S., Chandler K., & Broughman, S. P., (2001). *Homeschooling in the United States: 1999* (NCES 2001-033). U.S. Department of Education. National Center for education Statistics.
- Bradford, V. T. (2018). *Homeschooling Parents' Perceptions of Resources for Curriculum Development* (Publication No. 10841963) [Doctoral dissertation, Walden University]. ProQuest Dissertations and Theses Global.
- Cavan, L. R. (2017). *Homeschooling in Alaska: Parent perceptions and homeschool regulations* (Publication No. 10258532) [Doctoral dissertation, University of Alaska Fairbanks]. ProQuest Dissertations and Theses Global.
- Clements, A. (2002). Variety of teaching methodologies used by homeschoolers: A case studies of three homeschooling families. *Homeschooling methods and curriculum*, 2-8.
- Clements, A. D. (2002). *Variety of Teaching Methodologies Used by Homeschoolers: Case Studies of Three Homeschooling Families* (ED468436). <https://eric.ed.gov/?id=ED468436>
- Driessen, G., Smit, F., & Slegers, P. (2005). Parental involvement and educational achievement. *British educational research journal*, 31(4), 509-532.
- Duffy, C. (2015). 102 top picks for homeschool curriculum. Duffy, C. (2005). *100 Top Picks for Homeschool Curriculum: Choosing the Right Curriculum and Approach for Your Child's Learning Style*. B&H Publishing Group.
- Elliott, R. J. (2019). *The influence of homeschooling on the lives of college graduates: A Transcendental*

- phenomenological study* [Doctoral dissertation, Liberty University]. <https://digitalcommons.liberty.edu/doctoral/2167>
- Evans, T., & Nation, D. (1996). *Opening education*. Routledge.
  - Purwaningsih, N., & Fauziah, Y. P. (2020). Homwschooling: An alternative education based on potential of children. In W. Strielkowski (Ed), *Proceedings of the International Conference on Educational Research and Innovation (ICERI 2019): Advances in Social Science, Education and Humanities Research* (pp. 191-196). Atlantis Press. <https://doi.org/10.2991/assehr.k.200204.035>
  - Francis, L. (2018). *Instructional strategies that homeschooling parents use to teach their children mathematics* [Doctoral dissertation, Walden University]. <https://search.proquest.com/openview/3c8d17e3dd959bcd164709cb74697f6/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750>
  - Gaither, M. (2017). *The history of homeschooling*. In M. Gaither (Ed.), *The Wiley handbook of homeschooling* (pp.7-31). Malden, MA: John Wiley & Sons, Inc.
  - Garlington, D. (2020). *A Qualitative Study of the Factors that contribute to successful Homeschool graduates* [Doctoral dissertation, Milligan college]. [https://mcstor.library.milligan.edu/bitstream/handle/11558/5086/Garlington\\_Daniel\\_20200428.pdf?sequence=3](https://mcstor.library.milligan.edu/bitstream/handle/11558/5086/Garlington_Daniel_20200428.pdf?sequence=3)
  - Green, C. L., & Hoover-Dempsey, K. V. (2007). Why do parents homeschool? A systematic examination of parental involvement. *Education and Urban Society*, 39(2), 264-285.
  - Jorgenson, T. M. (2011). *Homeschooling in Iowa: An investigation of curricular choices made by homeschooling parents* [Doctoral dissertation, The University of Iowa]. <https://search.proquest.com/openview/863fe1af9880a49708a2267d86317b36/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750>
  - Knowles, J. G. (1989). Cooperating with home school parents: A new agenda for public schools?. *Urban Education*, 23(4), 392-410.
  - Kraftl, P. (2013). Towards geographies of 'alternative'education: a case study of UK home schooling families. *Transactions of the Institute of British Geographers*, 38(3), 436-450.
  - Kunzman, R., & Gaither, M. (2013). Homeschooling: A comprehensive survey of the research. *Other Education-the journal of educational alternatives*, 2(1), 4-59.
  - Lagos, J. A. (2012). Parental education rights in canada: canon and civil law approaches to homeschooling1. *Studia canonica*, 46(2), 401.
  - Lines, P.M. (2001). *Homeschooling*. ERIC Digest (ED457539). ERIC. <https://files.eric.ed.gov/fulltext/ED457539.pdf>
  - Luecke, H. M. (2001). *Post-secondary decisions of public school and homeschool graduates in Jackson County* [Masters Thesis, The Graduate School University of Wisconsin-Stout]. <https://minds.wisconsin.edu/bitstream/handle/1793/40039/2001lueckeh.pdf?sequence=1>
  - Luffman, J. (1997). A profile of homeschooling in canada. *Education Quarterly Review*, 4(4), 30-47.
  - Magdelana, M. (2010). *My children don't want to go to schools don't be afraid try homeschooling*. Gramedia pustaka utama.
  - Marshal, J. D. (2007). *Turning points in curriculum: A contemporary American memoir* (2nd ed.). Pearson Merrill Prentice Hall.
  - Martin-Chang, S., Gould, O. N., & Meuse, R. E. (2011). The impact of schooling on academic achievement: Evidence from homeschooled and traditionally schooled students. *Canadian Journal of Behavioural Science/Revue canadienne des sciences du comportement*, 43(3), 195-202.
  - McKeon, C. C. (2007). *A mixed methods nested analysis of homeschooling styles, instructional practices, and reading methodologies* (Publication No. 3258748) [Doctoral dissertation, Capella University]. ProQuest Dissertations and Theses Global.
  - Medlin, R. G. (2013). Homeschooling and the question of socialization revisited. *Peabody Journal of Education*, 88(3), 284-297.
  - Murphy, J. (2012). *Homeschooling in America*. Corwin
  - Norman, D. I. (2019). *Virtual Classrooms Bridging Homeschooling to Public Schools* [Masters Thesis, Old Dominion

- University]. [https://digitalcommons.ou.edu/ots\\_masters\\_projects/597/](https://digitalcommons.ou.edu/ots_masters_projects/597/)
- Pannone, S. (2019). Homeschoolers' experiences with the public library: A phenomenological study. *Children and Libraries, 17*(1), 5-10.
  - Ray, B. D. (2016). *Homeschool SAT scores for 2014 higher than national average*. <https://www.nheri.org/homeschool-sat-for-2014-higher-than-national-average/>
  - Redford, J., Battle, D., & Bielick, S. (2016). *Homeschooling in the United States: 2012 (NCES 2016-096)*. National Center for Education Statistics, Institute of Education Sciences, U.S. Department of Education.
  - Samardiono. (2007). *homeschooling, the leap of learning*. Elex media komputindo.
  - Whitlow-Spurlock, B. (2019). *A Grounded Theory Study of the Educational Processes Implemented by Parents Homeschooling Gifted or Twice-Exceptional Children* (Publication No. 13885210) [Doctoral dissertation, Liberty University]. ProQuest Dissertations and Theses Global.
  - Van Galen, J. (1991). Ideologues and pedagogues: parent who teach their children at home. In J.V. Galen & M.A. Pitman (Eds), *Homeschooling: political, historical, and pedagogical perspectives* (pp.1-5). Ablex.
  - Van Galen, J. A. (1988). Ideology, curriculum, and pedagogy in home education. *Education and urban society, 21*(1), 52-68.
  - Wanke, A. A. (2008). *Parental involvement in childrens education* [Masters Thesis, The State University of New York]. <http://hdl.handle.net/1951/43062>
  - Winingsih, E., & Wardhani, F. P. (2019, December). Why Does He Choose Home Schooling? In W. Strielkowski (Ed), *Proceedings of the International Conference on Educational Research and Innovation (ICERI 2019): Advances in Social Science, Education and Humanities Research* (pp. 111-114). Atlantis Press.
  - Watson, C. J. (2019). *Perceptions of Homeschooling* (Publication No. 13885210) [Doctoral dissertation, Kent State University]. OhioLINK Electronic Theses and Dissertations Center. [http://rave.ohiolink.edu/etdc/view?acc\\_num=ksuhonors1525513771346317](http://rave.ohiolink.edu/etdc/view?acc_num=ksuhonors1525513771346317)
  - Widayanti, C. G., & Siswati, S. (2009). Fenomena bullying di sekolah dasar negeri di semarang: sebuah studi deskriptif. *Jurnal Psikologi Undip, 5*(2). [http://eprints.undip.ac.id/8336/1/FENOMENA\\_BULLYING\\_DI\\_SEKOLAH\\_DASAR\\_NEGERI\\_DI\\_SEMARANG.pdf](http://eprints.undip.ac.id/8336/1/FENOMENA_BULLYING_DI_SEKOLAH_DASAR_NEGERI_DI_SEMARANG.pdf)

## پی‌نوشت‌ها

- |  |                          |                            |
|--|--------------------------|----------------------------|
| 1. Elliott   | 17. Luecke               | 34. Driessen               |
| 2. Gaither   | 18. Wardhani & Winingsih | 35. Marshal                |
| 3. Ray   | 19. Widayanti & Siswati  | 36. Clements               |
| 4. Watson  | 20. Bielick              | 37. Anthony                |
| 5. Lagos   | 21. Basham               | 38. Jorgenson              |
| 6. Kunzman   | 22. Medlin               | 39. Redford                |
| 7. Kraffl  | 23. Evans & Nation       | 40. Wise                   |
| 8. Spurlock  | 24. Thomas               | 41. Baidi                  |
| 9. Francis   | 25. Bradford             | 42. Pannone                |
| 10. National Center for Education<br>Statistics (NCES) | 26. Aggarwall            | 43. Garlington             |
| 11. Magdelana  | 27. Van Galen            | 44. Fauziah & Purwaningsih |
| 12. Samardiono   | 28. Knowles              | 45. colaizzi method        |
| 13. homeschooling                                      | 29. eclectic             | 46. Martin-Chang           |
| 14. Luffman  | 30. Duffy                | 47. McKeon                 |
| 15. Arai   | 31. Cavan                | 48. Murphy                 |
| 16. Green & Hoover-Dempsey                             | 32. unschool             | 49. Norman                 |
|  | 33. Wanke                | 50. Lines                  |